



# درس خارج کلام

## بررسی مبانی و مسائل مهدویت

با محوریت کتب اربعه

جلسات ۲۰ - ۲۱

حکم توبه در عصر ظهور (۳)

(بررسی روایات دال بر عدم پذیرش توبه)

استاد: آیه الله طبسی (دامت برکاته)

سال تحصیلی: ۹۵-۱۳۹۴

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

- جلسه بیستم - ۹۴/۹/۳۰ ..... ۳
- جلسه بیست و یکم - ۹۴/۱۰/۱ ..... ۱۱

جلسه بیستم<sup>۱</sup> - ۹۴/۹/۳۰

روایت دهم عدم پذیرش توبه:  
در واقع روایتی است که ابن طاووس در  
مصباح الزائر از امام زمان ؑ نقل می‌کند  
که می‌فرماید این زیارتی است که از امام  
رسیده و از این زیارت به ندبه تعبیر شده  
است. المعروف بالندبه خرجت من ناحية  
المحفوظة بالقدس إلى أبي جعفر محمد بن  
عبدالله سمیری (از شخصیت های بسیار بزرگ)  
شروع مطلب امام ؑ : بسم الله الرحمن الرحيم  
لا لا مرالله تعقلون (نه دستورات خدا را درک  
می‌کنید) ولا لاوليائه تقبلون (و نه از  
اولیاء خدا حرف می‌گیرید) حکمة بالغة عن  
قوم لايؤمنون و سلام علينا و على عبادالله  
الصالحين سلام على ال ياسين ذلك هو الفضل  
المبين السلام عليك يا مولاي و يا حجة الله و  
بقيته تمام نعمة السلام عليك أيها العلم  
المنصوب والعلم المصبوب  
شاهد مثال: إشهد يا مولاي أني أشهد أن لا  
إله إلا الله وحده لا شريك له و أن محمد عبده  
و رسوله لا حبيب إلا هو و أهله و أن أمير  
المؤمنين... وأنت حجتة و أن الانبياء دعاة  
و هداة رشدكم و أن رجعتكم حق لا شك فيها  
ولا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنتم من قبل

---

۱ . چون مباحث جلسات بیستم و بیست و یکم ادامه  
بحث روایات عدم پذیرش توبه بعد از ظهور است، و  
بحث بعدی درباره سرنوشت شیطان است؛ جهت انسجام  
مطالب، تقریر این دو جلسه در اینجا می‌آید.

رجعت ائمه □ حق است نه رجعت حکومت  
آنان، تفسیر به رجعت حکومت از کسانی است  
که عاجز هستند که خود روایات را درک کنند  
لذا تأویل می‌کنند بلکه خود ائمه برمی-  
گردند. در رجعت شما، در حکومت و حاکمیت  
شما کسی که قبلاً توبه نکرده حالا که آیات  
را می‌بیند ایمان می‌آورد توبه او قبول  
نیست. در این زیارت آیه را بر ظهور حضرت  
تطبیق دادند.

### الف) متن روایت:

زیارت ندبه (آل یاسین) از مصباح الزائر  
سید بن طاوس:

المعروف بالندبه خرجت من الناحية  
المحفوفة بالقدس إلى أبي جعفر محمد بن  
عبدالله الحميري □ شروع مطلب امام □ : بسم الله  
الرحمن الرحيم لا لامر الله تعقلون (نه دستورات  
خدا را درک می‌کنید) ولا لاوليائه تقبلون  
(و نه از اولیاء خدا حرف شنوی دارید)  
حكمة بالغت عن قوم لا يؤمنون و سلام علينا و  
على عباد الله الصالحين السلام عليك يا بقية  
الله السلام عليك حين تقوم...

شاهد مثال: إشهد يا مولاي أني أشهد أن لا  
إله إلا الله وحده لا شريك له و... و أن  
رجعتكم حق لا شك فيها ولا ينفع نفسا إيمانها  
لم تكن أمنت من قبل او كسبت في إيمانها  
خيرا

این زیارت از ناحیه مقدسه یعنی امام  
زمان □ به ابی جعفر محمد بن عبدالله حمیری □  
و دستور دادند که این زیارت را در سرداب

مقدس بخوانید.

### نکته:

در تقدس سردابی که در سامرا می‌باشد، هیچ شکی نیست، اما تقدس آن به چه لحاظ می‌باشد؟ آیا از این جهت که غیبت امام زمان □ در آن محل مقدس بوده است؟

هیچ یک از علمای شیعه قائل به این حرف نمی‌باشد، پس تقدس آن از این جهت نمی‌باشد؛ بلکه تقدس آن از این جهت است که مکان ولادت امام زمان □ می‌باشد (مرحوم عبدالجلیل قزوینی در کتاب نقض به این مطلب تصریح می‌کند) و از این جهت که آنجا محل زندگی سه امام معصوم □ می‌باشد، همچنان که جای پای حضرت ابراهیم □ مصلی می‌شود (واتخذ من مقام ابراهیم مصلی).

**(لاینفع نفسا ایمانها)** بعضی گفته‌اند این یک قضیه مهمله است، و قضیه مهمله در قوه‌ی جزئیه می‌باشد، لذا جزئی که باشد با یک مورد هم صدق می‌کند، یعنی روزی که بعضی از انسان‌ها، ایمان‌شان فایده‌ای نخواهد داشت.

### ب) منابع روایت:

۱. المزار الکبیر، ابن المشهدی، ص ۵۶۶
۲. مصباح الزائر، ابن طائوس، ص ۶۴۰
۳. بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۰۲، ص ۹۶
۴. الصحیفة المهدی، ابطحی، ص ۱۸۴
۵. معجم احادیث الامام المهدی، جمعی از مؤلفان، ج ۶

### ج) بررسی سندی:

البته این متن اصلاً نیاز به سند ندارد، از جهت متن قوی می‌باشد و با مبانی ما سازگار است بلکه اصلاً اعتقادات ما همین است، لذا اگر از جهت سند مورد اشکال بود به معنای عدم اعتبار آن نیست، تنها از جهت فنی و علمی بررسی می‌کنیم.

#### ۱. ابی جعفر محمد بن عبدالله حمیری

در جلالت ایشان و پدر ایشان هیچ شکی نیست؛ ایشان با امام مکاتباتی داشتند که در کتب اربعه آوردند.

نظر آقای شوشتری<sup>۱</sup>:

ایشان با اینکه خیلی نقاد می‌باشند در مورد ایشان می‌فرماید:

یدل علی مکاتبتہ الصاحب □ أن فی التهذیب فی ما یجوز الصلاة فیه<sup>۲</sup> و فی حد حرم الحسین □: محمد بن أحمد بن داوود، عن أبیه، عن محمد بن عبدالله الحمیری قال: کتبت إلی الفقیه<sup>۳</sup>

و فی الغیبة: نسخة الدرج، مسائل محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری؛ ثم ذکر مسائله و جواباته توقیعاً عن الحجة □ ذکرها فی عنوان الحسین بن روح.<sup>۴</sup> هذا، و روی عنه الکافی فی سفرجله<sup>۵</sup> و

۱ - قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۶۷

۲ - التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۸

۳ - التهذیب، ج ۶، ص ۷۵

۴ - غیبة الطوسی، ص ۲۲۹

۵ - الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸

تسمية من رأى الحجة □ و روى عنه جعفر بن قولويه فى فضل زيارة الامير و الحسين □ فى التهذيب<sup>۲</sup>.

ادله‌ای داریم که ایشان با امام زمان □ ارتباط و نامه نگاری داشته است در کتاب شریف تهذیب آقای طوسی در ما يجوز الصلاة و در حد حرم الحسين □ روایتی را از محمد بن عبدالله حمیری می‌آورد که می‌فرماید: کتبت إلى الفقيه □ معلوم شد نامه می‌نویسد برای امام زمان □ پس در ارتباط و نامه نگاری ایشان با امام شکی نیست. و در کتاب الغيبة در عنوان حسین بن روح مسائل محمد بن عبدالله حمیری سؤالات و جوابات را ذکر می‌کند که همه‌ی آن نامه‌ای از مهدی آل محمد □ بوده است.

باز در کافی شریف در باب سفرجل از ایشان نقل می‌کند.

همچنین در باب تسمية من رأى الحجة روایتی از حمیری می‌آورد.

ابن قولويه فى فضل زيارة امير المؤمنين و الحسين □ در آنجا روایتی نقل می‌کند.

ابن ادریس کتاب قرب الاسناد را که از کتاب‌های معتبر ما است به ایشان نسبت داده است. قرب الاسناد گویند چون سندش خیلی کم است.

علامه مجلسی □ در بحار الانوار: گمان من

---

۱ - الكافي، ج ۱، ص ۳۲۹

۲ - التهذيب، ج ۶، ص ۲۲

این است که کتاب از پدر حمیری است و ایشان آن را روایت می‌کند.

نجاشی و شیخ کتاب را در شرح حال پدر می‌آورند.

حر عاملی<sup>۱</sup> به فرزند نسبت می‌دهد.

پس در شخصیت ابی جعفر محمد بن عبد الله حمیری و ارتباط ایشان با امام زمان<sup>۲</sup> بحثی نیست. بحث در این است که سند ابن طاووس به این توقیعات چیست؟

### بررسی سند ابن طاووس به توقیع

اما ابن المشهدی در مزار کبیر سند ارائه می‌دهد<sup>۳</sup>:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْفَقِيهُ الْعَالِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ عَزَبِيُّ بْنُ مُسَافِرِ الْعِبَادِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ بَدَارِهِ بِالْجَلَّةِ السِّنْفِيَّةِ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ

ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ، وَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْعَفِيفُ أَبُو الْيَقَاءِ هَبْدَةُ اللَّهِ بْنُ نَمَاءِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ حَمْدُونَ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ أَيْضاً بِالْجَلَّةِ السِّنْفِيَّةِ، قَالَا جَمِيعاً: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَمِينُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ طَحَّالِ الْمَقْدَادِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الطَّرْزِ الْكَبِيرِ الَّذِي عِنْدَ رَأْسِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ تِسْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ، قَالَ:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ السَّيِّدُ الْمُفِيدُ أَبُو عَلِيٍّ

۱ - تنقيح المقال، ج ۳، ص ۱۴۰  
۲ - الذريع، ص ۲۲۵ و المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص ۵۶۶



الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْمَشْهَدِ الْمَذْكُورِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةِ تِسْعٍ وَخَمْسِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا السَّيِّدُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَشْنَسِ الْبَرْازِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ زَنْجَوِيهِ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، قَالَ:

قَالَ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ أَشْنَسِ، وَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ أَخْبَرَهُ وَ أَجَازَ لَهُ جَمِيعَ مَا رَوَاهُ، أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ مِنَ النَّاحِيَةِ، حَرَسَهَا اللَّهُ، بَعْدَ الْمَسَائِلِ وَ الصَّلَاةِ وَ التَّوَجُّهِ،

ایشان به دو طریق نقل می‌کند که این روایت از ناحیه مقدسه وارد شده است. حال آیا همه راویانی که نقل می‌کند ثقه هستند.

توثیق عام ابن مشهدی:

ابن المشهدی در مقدمه کتابشان می-فرماید:

انى قد جمعت فى كتابى هذا من فنون الزيارات للمشاهد الشريفه من ما اتصلت به من ثقات الروات الى السادات.

تمام زیارات و ادعیه را از ثقات نقل کردم و متصل به سادات معصوم است.

ایشان شخصیتی است، می‌فرماید که همه ثقه هستند و سند به معصومین می‌رسد. با این بیان ایشان، مشکل سند برطرف شد فلذا می‌بایست روایت را توجیه کنیم و بگوییم

منظور، عدم پذیرش توبه برخی در عصر ظهور  
است.

الا اینکه مرحوم خوئی اشکالی به خود  
مؤلف و همچنین تألیف ایشان می‌کنند؛ که در  
جلسه آینده می‌آید.

جلسه بیست و یکم - ۹۴/۱۰/۱

## ادامه بررسی سند ابن طاووس به توقیع نظر مرحوم خوئی:

ایشان در مقدمه کتابشان، بحثی راجع به توثیقات عام دارند، آیا توثیقات عامی را که برخی بزرگان در مقدمه کتابشان دارند باید پذیرفته شود؟ اسم چند نفر را می‌برند و بحث می‌کنند مثل نجاشی، ابن قولویه و میرزای قمی، سپس می‌فرمایند:

بقي هنا أمران: الأول: أن الشيخ محمد بن المشهدي، قال في أول مزاره فإني قد جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات للمشاهد و ما ورد في الترغيب في المساجد المباركات و الأدعية المختارات و ما يدعى به عقيب الصلوات و ما يناجى به القديم تعالى من لذيذ الدعوات و الخلوات، و ما يلجأ إليه من الأدعية عند المهمات، مما اتصلت به ثقات الرواة إلى السادات... و هذا الكلام منه صريح في توثيق جميع من وقع في أسناد روايات كتابه.

ابن مشهدی در مقدمه کتاب مزار می‌فرمایند: من در این کتاب زیارات مختلف و ترغیبات نسبت به مساجد و دعاها و تعقیبات نماز و مناجات های با خدا را جمع آوری کردم و همه را از ثقات آورده‌ام. که این کلام ظهور در ثقه بودن تمام اسناد این روایات دارد.

**لكنه لا يمكن الاعتماد على ذلك من جهين:**

۱- معجم رجال الحديث ج : ۱ ص : ۵۲

۱ - أنه لم يظهر اعتبار هذا الكتاب في نفسه، فإن محمد بن المشهدي لم يظهر حاله، بل لم يعلم شخصه و إن أصر المحدث النوري: على أنه محمد بن جعفر بن علي بن جعفر المشهدي الحائري، فإن ما ذكره في وجه ذلك لا يورث إلا الظن.

۲ - أن محمد بن المشهدي من المتأخرين، و قد مر أنه لا عبرة بتوثيقاتهم لغير من يقرب عصرهم من عصره، فإننا قد ذكرنا أن هذه التوثيقات مبنيّة على النظر و الحدس، فلا يترتب عليها أثر.<sup>۱</sup>

ما نمى توانيم بر توثيقات ابن مشهدي اعتماد كنيم، به دو دليل:

اولا اينكه ارزش و اعتبار اين كتاب ظاهر نيست زيرا نه حال و وصف ايشان و نه شخص ايشان براي ما مشخص نيست اگر چه محدث نوري<sup>۲</sup> مصر بر اين است كه ايشان محمد بن جعفر بن علي بن جعفر است، ولي اين فرمايش ظن آور است.

۲- ايشان از متأخرين است و توثيقات متأخرين قابل قبول نيست؛ زيرا حدسی است.

### جواب از مرحوم خویی:

ابن المشهدی هم شخص و هم کتابشان معلوم است و محل تحصیل و شاگردان و اساتید و تالیفات ایشان نیز مشخص است. معلوم نیست چرا مرحوم خویی<sup>۳</sup> اینطور می‌فرمایند!

**شهید اول**<sup>۴</sup> نسبت به ایشان می‌فرماید:  
الشیخ الامام السعید مگر شهید اول نسبت به

۱ - معجم رجال الحديث ج : ۱ ص : ۵۲

هرکسی تعبیر به امام می‌کند!  
شیخ حر عاملی<sup>۱</sup> می‌فرماید: کان محدثا فاضلا  
صدوقا.

محدث نوری<sup>۲</sup> می‌فرماید: الشيخ السعيد  
الجليل المتبحر مولف مزار.  
مرحوم قمی<sup>۳</sup> و مرحوم سيد محسن امين<sup>۴</sup> همين  
تعبير را دارند و از معاصرین استاد  
بزرگوار وحید خراسانی<sup>۵</sup> در درس اصولشان در  
بحث حرمت صوم يوم عاشورا به روایتی  
استناد می‌کنند که مشکل سندی دارد و  
می‌فرمایند: اعتمادنا على المزار المشهدی  
نتیجۀ لاعتماد سيد عبدالکريم و ولده عليه  
ما به خاطر اعتماد دو شخصیت بزرگ مثل ابن  
طاووس و فرزندش براین کتاب اعتماد  
داریم.<sup>۶</sup>

مرحوم آقا بزرگ تهرانی<sup>۷</sup> :  
الموجود في خزانة كتب الشيخ علي بن محمد  
رضا آل كاشف الغطاء بالنجف، والميرزا محمد  
علي الأردوبادي أيضا بالنجف، وغيرهما عبر  
عنه المجلسي في البحار بالمزار الكبير و  
كان عند شيخنا النوري وينقل عنه في  
مستدرك الوسائل و ذكر شرح اعتباره  
في خاتمة المستدرك و استظهر من بعض  
القرائن، أنه للشيخ محمد بن جعفر بن علي  
بن جعفر المشهدي الحائري الراوي عن أبي

---

۱ . صوم عاشورا بين السنة النبوية و البدعة  
الاموية، ص ۴۸

الفضل شاذان بن جبرئيل القمي، و يروي أيضا عن المفيد بواسطتين و هو سند عال.<sup>١</sup> ایشان پس از بیان نسخه های موجود و تعبیرات علما می‌فرمایند: از قرائن مشخص می‌شود که این کتاب از علی بن جعفر مشهدی است.

مشایخ ابن المشهدی:

أقول: جملة هؤلاء الثقات الذي يروي عنهم في الكتاب خمسة عشر رجلا و هم:

١. شاذان المذكور

٢. الشيخ أبي عبد الله الحسين بن هبة بن رطبة، عن الشيخ أبي علي بن الشيخ الطائفة، عن والده روى عنه زيارة العاشوراء التي يذكر فيها أسامي الشهداء مفصلا

٣. أبي محمد عبد الله بن جعفر الدورستاني، المتوفى نيف و ستمائة

٤. الشيخ أبو الفتح قيم جامع الكوفة

٥. الشيخ المقري مسلم بن نجم المعروف بابن الأخت البزاز الكوفي الزيدي

٦. أبو المكارم حمزة بن زهرة الحسيني الحلبي، في ٥٧٤

٧. السيد عبد الحميد بن التقي عبد الله بن أسامة العلوي الحسيني، في ذي القعدة ٥٨٠

٨. الشيخان الجليلان أبو البقاء هبة الله بن هبة، و

٩. أبو الخير سعد بن أبي الحسن الفراء

١٠. الشريف أبي جعفر محمد المعروف بابن الحمد النحوي ٥٧١

١ - الذريعة إلى تصانيف الشيعة ، ج ٢٠ ، ص ٣٢٤

۱۱. الشيخ الفقيه عماد الدين محمد بن أبي القاسم الطبري في ۵۵۳
۱۲. الشريف الجليل أبو الفتح محمد بن محمد الجعفرية
۱۳. الشيخان العالمان أبو محمد عربي بن مسافر و
۱۴. هبة الله بن نما بن علي بن حمدون في ۵۷۳، و روى عنهما سلام على آل ياسين الكبير، و الزيارة الجامعة الكبيرة المشهورة
۱۵. الشيخ الفقيه أبو عبد الله محمد بن علي بن شهرآشوب المازندراني (م ۵۸۸).

اشكال مبنای بر مرحوم خویی:

اصطلاح متأخرین بر علامه حلی به بعد است و علامه حلی شاگرد ابن طاووس است و ابن المشهدی تقریباً یک قرن قبل از ابن طاووس است. پس اگر ما مبنای ایشان را هم قبول کنیم این مورد مصداق مبنای ایشان نمی‌شود.

### نتیجه

کتاب و مؤلف مشکلی ندارد و توثیق عام ایشان صحیح است و منحل به توثیقات خاص می‌شود و این ثقات زیارت معروف به ندبه را نقل کرده‌اند فلذا علاوه بر تسامح در ادله سنن، این زیارت معتبر است.

## نتیجه کلی بحث در پذیرش یا عدم پذیرش توبه در عصر ظهور

روایات عدم قبول توبه در زمان ظهور امام زمان علیه السلام را بررسی کردیم. بعضی از آنها مشکل سندی و بعضی دیگر مشکل دلالی داشت؛ و مفاد بعضی از روایات این بود که توبه در زمان ظهور پذیرفته نیست.

با توجه به ضعف سندی بعضی و ضعف دلالی بعضی دیگر و معارض داشتن این روایات، نمیتوانیم به عدم پذیرش توبه به شکل کلی ملتزم شویم. البته به صورت موجهی جزئییه نسبت به یک سری افراد و گروه‌های معاند و مصرّ بر مخالفت "که در آن موقع توبه اضطراری می‌کنند، نه از روی اختیار" ممکن است بپذیریم. اما اینکه بگوئیم کلاً توبه قابل پذیرش نیست. التزام به چنین ادعائی ساده نیست.

ولی در مورد شیطان روایاتی داریم که گویا پشیمان می‌شود و اظهار ندامت و خوف از خداوند عز و جل می‌کند و گویا خدمت امام زمان علیه السلام التماس می‌کند که او را ببخشد؛ ولی قطعاً توبه‌اش پذیرفته نیست و به دست حضرت کشته می‌شود. در ادامه مباحث ان شاء الله به روایات آن می‌پردازیم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین